فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی
سال هفدهم، شماره ٦٥، تابستان ١٣٩٦، صفحات ٢٢٢- ١٩٩

شناسایی عوامل موثر بر تامین مالی خرد در ایران

محمدجواد محقق‌نیا [*] و علی‌اکبری باوفا گلیان [**]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۳

چکیده

برنامه‌های تامین مالی خرد در نیمه دهه ۱۹۸۰ پدیدار شد، بنابراین، می‌توان تامین مالی خرد را یک پدیده نوظهور دانست. علت ظهور و گسترش سریع تامین مالی خرد می‌تواند نتایج ضعیف استراتژی‌های قبلی توسعه و به‌طور خاص استراتژی‌های مربوط به توسعه مالی باشد. در این تحقیق با کمک پرسشنامه دلفی سه بعدی به شناسایی عوامل موثر بر تامین مالی خرد در ایران پرداخته شده است. در بخش تجهیز، سپرده‌ها شامل سپرده‌های قرض‌الحسنه، هبه، وکالت خاص-گروهی و سپرده مسدودی (پس‌انداز) است. در بخش تخصیص، تسهیلات به دو دسته عمده تسهیلات مصرفی (عادی و اضطراری) و تسهیلات تولیدی تقسیم شده‌اند. بنگاه‌های فعال در بازار تامین مالی خرد به دو دسته عمده بانک‌ها (تجاری و هلدینگ) و موسسات مالی (انتفاعی و غیرانتفاعی) تقسیم شده‌اند. استفاده از مسئولیت مشترک به‌عنوان وثیقه و نیز استفاده از روش وام‌دهی ترکیبی گروهی-انفرادی به‌طور قوی مورد تاکید قرار گرفته است. در بعد اجرایی، سامانه‌های الکترونیکی، بسترسازی و تفکیک گزارش‌دهی براساس نوع تسهیلات و نوع عقود مورد استفاده مدنظر بوده است.

طبقه‌بندی JEL: *G21, I30, I39.*
کلیدواژه‌ها: *تامین مالی خرد، توسعه مالی، فقر، بانکداری اسلامی، قرض‌الحسنه.*

---

* استادیار گروه بانکداری اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، پست الکترونیکی: mgmohagh@yahoo.com
** کارشناس‌ارشد بانکداری از دانشگاه علامه طباطبائی، پست الکترونیکی: bavafa88@yahoo.com

۱- مقدمه

مروری بر آیات و روایات وارده در حوزه اقتصاد نشان می‌دهد که در اسلام، فقر و بی‌عدالتی‌های اجتماعی پدیده‌هایی مذموم شناخته شده و یکی از اهداف مهم هر نظام اسلامی و به‌تبع آن اقتصاد اسلامی (به عنوان یک حوزه علمی) از بین بردن این موارد و تقویت رضایت اجتماعی از این طریق است. از این رو، در جامعه اسلامی لازم است تمامی روابط اقتصادی و مالی به‌نحوی تنظیم شود که نظام اقتصادی بتواند در راستای تامین اهداف موردنظر اسلام حرکت کند. همچنین، نظام تامین مالی اسلامی، به‌عنوان یکی از ابعاد نظامی جامع‌تر به نام اقتصاد اسلامی، نسبت به تامین اهداف موردنظر اسلام در حوزه اقتصاد دارای وظیفه بوده است و نمی‌تواند نسبت به این اهداف بی‌تفاوت و یا کم توجه باشد.

بررسی تجارب سایر کشورها در مساله تقویت عدالت و رضایت اجتماعی در شبکه بانکی به‌خوبی نشان می‌دهد که در چند دهه اخیر تجربه‌ای خوب در حوزه ارائه خدمات مالی به گروه‌های پایین درآمدی، تحت عنوان «تأمین مالی خرد» به‌وجود آمده است. هدف اصلی این نوع تأمین مالی، ارائه خدمات به افرادی است که به دلایل مختلف نمی‌توانند از تسهیلات بانکی استفاده کنند.

تعاریف گوناگونی از تامین مالی خرد شده است، اما همه آن‌ها در سه محور مشترک‌اند:

الف) خدمات متنوع مالی مناسب.

ب) اندازه خدمات (کوچک مقیاس).

ج) گروه هدف (خانوار فقیر و کم‌درآمد).

جامع‌ترین تعریف را مظهر (۲۰۱۰: ص۱۰) بیان می‌کند: «تدارک و ارائه خدمات متنوع مالی کوچک مقیاس همچون پس‌انداز، اعتبار و سایر خدمات مالی پایه‌ای برای افراد فقیر و کم‌درآمد.»

تبیین الگوی تامین مالی خرد برای هر کشور (و بلکه برای هر ناحیه) نیازمند شناخت عوامل موثر مختص به آن است، بنابراین، در این تحقیق بر آن شدیم تا برای اولین‌بار در ایران در یک تحقیق جامع به شناسایی عوامل موثر بر تامین مالی خرد بپردازیم.

مهم‌ترین سوالات در یافتن عوامل موثر بر تامین مالی فرد عبارتند از: ملاحظات مالی (تجهیز، تخصیص و ماهیت بنگاه‌های فعال در این بازار) چیست؟ با توجه به قانون بانکداری بدون ربا، ملاحظات فقهی-حقوقی (روش وام‌دهی، نوع وثایق و عقود و نحوه استفاده از آن‌ها) چیست؟ با توجه به تقسیم‌بندی نیازهای فقرا (به سه دسته چرخه زندگی، نیازهای اضطراری و فرصت‌ها) آیا در بعد اجرایی نیاز به بسترسازی وجود دارد؟ همچنین نحوه گزارش‌دهی چگونه است؟ که با پرسش از اساتید دانشگاهی حاضر در ارگان‌ها و سازمان‌های مرتبط، به استخراج این عوامل پرداخته‌ایم. ساختار این مقاله به این ترتیب است که پس از مقدمه به بیان ادبیات نظری و تجربی تحقیق پرداخته شده و بعد از مروری بر روش‌شناسی تحقیق، به بیان نتایج پرداخته شده است. در پایان نیز ضمن جمع‌بندی، پیشنهادات ارائه شده است.

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱- ادبیات نظری

برنامه‌های تامین مالی خرد در نیمه دهه ۱۹۷۰ پدیدار شد، بنابراین، می‌توان تامین مالی خرد را یک پدیده نوظهور دانست. ظهور و گسترش سریع تامین مالی خرد می‌تواند نتیجه ضعیف استراتژی‌های قبلی توسعه و به‌طور خاص استراتژی‌های مربوط به توسعه مالی باشد. با تدارک خدمات مالی برای مردم فقیر بر پایه خویش مالی، تامین مالی خرد توانست بر مشکلات عمده تمامی رویکردهای بعد از جنگ جهانی دوم در مورد توسعه مالی غلبه کند. از جمله این مشکلات، به‌عنوان مثال یکی محرومیت بخش فقیر جامعه از دسترسی به خدمات مالی و دیگری وابستگی مداخلات سیاسی به کمک هزینه و یارانه و در نتیجه مواجهه با پایداری مالی کم بود (مارکوس، پورتر وهارپر، ۱۹۹۹:ص ۱۵و۱۶).

در طول دهه ۱۹۵۰ و اوایل ۱۹۶۰، استراتژی متداول توسعه بر پایه مدل نوگرایی وجود داشت که رشد اقتصادی را هدف اصلی توسعه می‌دانست و به صنعتی شدن و سرمایه‌گذاری در مقیاس وسیع به‌عنوان موتورهای رشد می‌نگریست (ثوریکه، ۲۰۰۰:ص۲۳-۱۹). در این دوره، توسعه مالی بیشتر با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی، مانند راه‌آهن، برق و ارتباطات همراه بود. بنابراین، اثر چکه‌ای مورد انتظار ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذار برای تعداد بسیار زیادی از فقرای کشورهای در حال توسعه محقق نشد، زیرا

بیشتر سرمایه در پروژه‌های غیرسودآور هرز رفت یا به‌وسیله منتخبان فاسد مصرف شد (بادرو،۱۹۹۸:ص۴-۳).

واقعیت رشد فقر و عدم تساوی در پایین‌ترین کشورهای در حال توسعه منجر به تغییرات عمده‌ای در استراتژی توسعه در آغاز دهه ۱۹۷۰ شد. ویژگی این خط‌مشی، افزایش تخصیص منابع به مناطق غفلت‌شده قبلی از توسعه روستایی و کشاورزی بود. دهه ۱۹۷۰ همچنین شاهد موجی از برنامه‌های اعتبار دولتی به بخش‌های روستایی بود. هدف این برنامه‌های کمک‌هزینه، ترقی دادن معیشت و کشاورزی خرد مقیاس و در نتیجه مبارزه با فقر روستایی بود (بادرو ۱۹۹۸: ۴). اما برنامه‌های اعتبار روستایی کمک هزینه به‌طور گسترده‌ای در کاهش اختلاف درآمدی و نیز کاهش فقر در مناطق روستایی با شکست روبه‌رو شدند. این برنامه‌ها همچنین باعث شدند که این ذهنیت گمراه‌کننده که تدارک خدمات مالی برای فقرا نمی‌تواند سودآور باشد، برای مدت طولانی در اذهان ایجاد شود.

عملکرد ضعیف برنامه‌های اعتباری روستایی کمک هزینه باعث انعکاس این امر شد که نرخ بازپرداخت حدود ۷۵ درصد درآن زمان به‌عنوان یک موفقیت تلقی شود. در نتیجه، اغلب برنامه‌ها، پایدار نبودند و بعد از تحمل زیان‌های سنگین از بین رفت (مرتضوی‌فر، ۱۳۸۸).

تمامی استراتژی‌های توسعه توزیع مجدد و نیازهای انسانی اساسی شامل برنامه‌های اعتباری روستایی با سیاست‌های تعدیل ساختاری در دهه ۱۹۸۰ جایگزین شد. بحران بدهی‌ها و بالا گرفتن نئولیبرالیسم در جهان غرب، کشورهای در حال توسعه را وادار کرد که اصلاحاتی در ایجاد بازار آزاد و حداقل‌سازی فعالیت‌های دولت در بسیاری از بخش‌ها صورت دهند (ثوریکه، ۲۰۰۰: ۳۷).

در این مفهوم، استراتژی توسعه دهه ۱۹۸۰ نه‌تنها با ترویج ارائه اعتبار بر پایه بازار، بلکه با اثرات منفی سیاست‌های تعدیل ساختاری بر فقر و نابرابری شهر و روستا، تقویت‌کننده ایده تامین مالی خرد بود (بادرو، ۱۹۹۸: ۵). این مساله همچنین در منظری وسیع‌تر از توسعه در اهداف توسعه هزاره به‌عنوان چارچوب جاری توسعه، نمود یافته است. ریشه‌کن‌سازی فقر و توانمندسازی زنان به‌عنوان دو هدف از هشت هدف هزاره نمونه‌ای از تاکید بر فاکتورهای اجتماعی و انسانی توسعه است که به‌وسیله تامین مالی خرد پشتیبانی می‌شود. بنابراین، نهضت تامین مالی خرد از میان تعارض ایده‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف که تا به امروز نیز تامین مالی خرد را تحت‌تاثیر خود قرار می‌دهند، بروز یافته است. امروزه

تامین مالی خرد، هم به‌وسیله ایدئولوژی نئولیبرال پشتیبانی می‌شود و هم به‌وسیله طرفداران دیدگاه از پایین به بالا (مردوچ، ۱۹۹۹: ۱۵۷).

علت محبوبیت کنونی تامین مالی خرد این است که توانسته است بر شکست استراتژی‌های قبلی توسعه ازطریق دو ابتکار مهم غلبه کند، حذف وثیقه با معرفی جایگزینی مانند قراردادهای وام‌دهی گروهی که مشکل محرومیت فقرا از دسترسی به خدمات مالی را رفع کرده است، تامین مالی خرد به‌علت توسعه تکنیک‌های ویژه و مطالبه هزینه بالاتر بر پایه نرخ بهره بازار که ثابت کرده است خدمات مالی با هدف‌گیری فقرا می‌تواند سودآور باشد.

ایده وام‌دهی گروهی برای اولین بار توسط بانک گرامین بنگلادش معرفی شد که به‌عنوان نمونه اولیه موسسات تامین مالی خرد شناخته می‌شود. مدل بانک گرامین بارها مورد استفاده قرار گرفته است و هنوز هم به‌کار می‌رود و اثرات زیادی بر بحث تامین مالی خرد امروزه دارد. به‌طور کلی، تامین مالی خرد برخلاف استراتژی‌های قبلی توسعه مالی، به نرخ بازپرداختی به طور متوسط بالاتر از ۹۰ درصد دست یافته است (مرتضوی‌فر، ۱۳۸۸: ۴۶).

۲-۲- ادبیات تجربی

در تحقیق حاضر[۱] پژوهش‌های تجربی بسیار زیادی جهت استخراج عوامل موثر بر تامین مالی خرد (از سرتاسر دنیا: تیمور شرقی تا ایالات‌متحده) مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، اما برای تلخیص و دوری از فرسایش قلم، این تحقیقات در جدول(۱) و جدول(۲) خلاصه شده‌اند. به طور کلی می‌توان این تحقیقات را در سه دسته ۱- آثار و جنبه‌های تامین مالی خرد، ۲- نهادها و ساختارهای تامین مالی خرد و ۳- تامین مالی خرد اسلامی جای داد.

۳- روش تحقیق، نحوه استخراج پرسشنامه، کیفیت تحقیق و جامعه پژوهش

۳-۱- روش‌شناسی تحقیق

منظور از روش علمی تحقیق، مجموعه قواعد و رویه‌هایی است که محقق برای جمع‌آوری حقایق و واقعیت‌ها دنبال می‌کند تا سپس آن‌ها را تفسیر، تبیین و اثبات کند. یکی از روش‌های کسب دانش گروهی، تکنیک دلفی است (ایمانی جاجرمی۱۳۷۹) که دارای

۱- تحقیق حاضر از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با همین عنوان در دانشگاه علامه طباطبایی استخراج شده است.

جدول(۱)- تحقیقات خارجی

دسته‌بندی تحقیقات	پژوهش‌های مورد استناد
آثار و جنبه‌های تامین مالی خرد	اوکپارا (۲۰۱۰)، بکچتی و کاستریتا (۲۰۱۱)، دیلوچ و لامانا (۲۰۱۱)، کرپون، دی ووتو، دافلو و پاریه نته (۲۰۱۱)، منخوف و رانگ روکسیری وارن (۲۰۱۱)، نوداماتیا، گیروه و شیهو (۲۰۱۰)، اوکاسیو (۲۰۱۲)، الکترین و همکاران (۲۰۱۳)، جیا، خیانگ و هوآنگ (۲۰۱۳)، رینگ وست (۲۰۱۳)، ریواجانتی (۲۰۱٤)، کایرتی و ساکوا (۲۰۱٤) و وبر و احمد (۲۰۱٤)
نهادها و ساختارهای تامین مالی خرد	رادرفورد (۲۰۰۰)، کارلاین (۲۰۰۲)، مارجو (۲۰۰۷)، گالیما، لینسیک و اسپیردیجک (۲۰۱۱)، پلیگرینا (۲۰۱۱)، هرمس، لنسینک و میستر (۲۰۱۱)، کاسان، گانگادهاران و مایترا (۲۰۱۲)، سروین، لینسینک و برگ (۲۰۱۲)، کاسون و همکاران(۲۰۱۲) مالک (۲۰۱۲)، چودهوری و موخو پادهایا (۲۰۱۲)، خاندکر (۲۰۱۲)، لی و ماسون (۲۰۱۲)، توگبا (۲۰۱۲)، ساگامبا، چتینین و یوسفوو (۲۰۱۳)، رابرتس (۲۰۱۳)، کاتلر و المازان (۲۰۱۳)، ویرنری و هورنل (۲۰۱۳)، کوندونگو و کندی (۲۰۱۳)، کرنه و مسکلت (۲۰۱۳)، مرسلند و،هارتارسکا، شن (۲۰۱۳)، جانگ (۲۰۱۳)، لانبورگ و راسموسن (۲۰۱٤)، گینه و کارلان (۲۰۱٤)، سرانو-سینسا و گوتیرز- نیتو (۲۰۱٤)، هودان و پقیلوکس (۲۰۱٤)، باری و تاکننگ (۲۰۱٤) و رجبانشی، هوآنگ و ویدیک (۲۰۱٥)
تامین مالی خرد اسلامی	رحمان (۲۰۱۰)، حسن‌زاده و میثمی(۲۰۱۲)، جاباخیل (۲۰۱۲)، القمی و کراسان (۲۰۱۳) و الکمال، القمی، کارلان و عثمان (۲۰۱٤)

جدول(۲)- تحقیقات داخلی

دسته‌بندی تحقیقات	پژوهش‌های مورد استناد
آثار و جنبه‌های تامین مالی خرد	ابونوری و قاسمی‌تازه‌آبادی(۱۳۸٦)، رحمانی‌فضلی و کاویانی(۱۳۸۸)، مرتضوی‌فر(۱۳۸۸)، علاءالدینی و جلالی موسوی (۱۳۸۹)، فعالیت و خارقانی(۱۳۹۰)، چرمچیان لنگرودی و علی بیگی(۱۳۹۲) و علیرضانژاد (۱۳۹۲)
نهادها و ساختارهای تامین مالی خرد	حسن‌زاده، ازوجی و قویدل (۱۳۸٥)، حسینی، خالدی، قربانی، و حسن‌پور (۱۳۸۸)، حسینی، خالدی و قربانی (۱۳۸۹)، عیسی‌زاده (۱۳۸۹)، ورمزیاری، کلانتری و شعبانعلی فمی (۱۳۸۹)، ابراهیمی‌و باغستانی میبدی (۱۳۹۰)، قضاوی، کیانی‌زاده، ملاکریمی و موهبتی(۱۳۹۰)، یزدانی(۱۳۹۰)، جمشیدی، جندقی و تهرانی (۱۳۹۳) و شهیدی‌نصب (۱۳۹۳)
تامین مالی خرد اسلامی	حسن زاده (۱۳۸۹)، میسمی و شهیدی‌نسب (۱۳۸۹)، عبداللهی و میسمی (۱۳۹۰)، مصباحی‌مقدم، میسمی، عبداللهی و قائمی‌اصل (۱۳۹۰)، بیدار (۱۳۹۱)، میسمی، حسن‌زاده و شهیدی‌نسب (۱۳۹۱) و محقق‌نیا (۱۳۹۲)

ساختاری برای پیش‌بینی و کمک به تصمیم‌گیری در راندهای پیمایشی، جمع‌آوری اطلاعات و درنهایت اجماع گروهی است (کندی ۲۰۰۴ و دآن‌هام ۱۹۹۶). در حالی که اکثر پیمایش‌ها سعی در پاسخ به سوال «چه هست» دارند، دلفی به سوال «چه می‌تواند/ چه باید باشد» پاسخ می‌دهد (پال ۲۰۰۳).

به اعتقاد ادلر و زگیلیو (۱۹۹۶)، دلفی ابزار ارتباطی سودمندی بین گروهی از خبرگان است که فرموله کردن آرای اعضاء گروه را آسان می‌کند. برخلاف روش‌های پژوهش پیمایشی، اعتبار روش دلفی نه به‌شمار شرکت‌کنندگان در پژوهش که به اعتبار علمی متخصصان شرکت‌کننده بستگی دارد.

۳-۲- نحوه استخراج و تدوین پرسشنامه

پرسشنامه بنابه کار مجیدی (۱۳۹۰) به سه قسمت (بعد) تقسیم‌بندی شده است. بخش مالی بنا به محقق‌نیا (۱۳۹۲)، هودان و پقیلوکس (۲۰۱۴) و باری و تاکنگ (۲۰۱۴) به سه بخش تجهیز، تخصیص و ماهیت بنگاه‌ها تقسیم‌بندی شده‌اند. بعد (ملاحظات) فقهی- حقوقی بنابه کاسان و همکاران (۲۰۱۲) و باباجانی و شکرخواه (۱۳۹۱) دارای دو مولفه ارکان قراردادها و قوانین و مقررات است. ملاحظات اجرایی به دو بخش الگوی عملیاتی و گزارش‌دهی تقسیم شده‌اند که این تقسیم‌بندی بیشتر حاصل کار سرانوسینسا و گوتیرزنیتو (۲۰۱۴) و باباجانی و شکرخواه (۱۳۹۱) است.

۳-۳- کیفیت تحقیق

کیفیت تحقیق با دو معیار، روایی و پایایی سنجیده می‌شود. اعتبار محتوا، ویژگی ساختاری ابزار اندازه‌گیری است که همزمان با تدوین آزمون در آن تنیده می‌شود. برای این منظور پرسشنامه‌ای متناظر با ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های موضوع تحقیق طراحی شد و اعتبار محتوای این پرسش‌نامه توسط برخی از پاسخ‌دهندگان (متخصصان در توزیع اولیه و دریافت بازخورد و اعمال اصلاحات مدنظر آنان) موردتایید قرار گرفت.

پایایی یکی از ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری است. برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری شیوه‌های مختلفی به‌کار برده می‌شود. از آن جمله می‌توان به ضریب آلفای کرونباخ اشاره کرد. به‌طور معمول آلفای کرونباخ کمتر از ۰/۶ پایایی

ضعیف، ۰/۶ تا ۰/۸ قابل‌قبول و بالاتر از ۰/۸ نشان‌دهنده پایایی بالا است. بدیهی است که هر چه این عدد به یک نزدیک‌تر باشد، بهتر است. با استفاده از داده‌های به دست آمده از پرسش‌نامه‌های توزیع شده بین متخصصان و به کمک نرم‌افزار آماری *SPSS*، میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که برای کل سوالات عدد ۰/۸۸۷ به‌دست آمد. این عدد نشان‌دهنده آن است که پرسش‌نامه مورد استفاده از قابلیت اعتماد و یا به‌عبارت دیگر، از پایایی لازم برخوردار است. این مساله در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول(۳)- بررسی پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ

تعداد سوالات	آلفای کرونباخ
۳۲	۰/۸۸۷

۳-٤- جامعه آماری پرسشنامه

از آنجا که هدف از روش دلفی به‌دست آوردن اجماع بین نخبگان در یک رشته است، این پرسشنامه بین اعضای هیات علمی دانشگاه‌های مختلف و متخصصان فن توزیع شد. از جمله این گروه‌ها می‌توان به اعضای هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، اعضای هیات علمی رشته اقتصاد دانشگاه مفید، اعضای هئیت علمی پژوهشکده پولی و بانکی و اعضای هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران اشاره کرد. از ۳۳ پرسشنامه‌ای که بین خبرگان در گروه‌های ذکر شده توزیع شد ۳۱ پرسشنامه برگشت داده شده و مورد استفاده قرار گرفت.

در انتخاب اعضای پانل نخبگان در دلفی از ملاک‌های زیر استفاده شده است (دلفی ملاک محور):

۱) اعضای هیات علمی که یکی از زمینه‌های مورد مطالعه آن‌ها تامین مالی خرد باشد. یا
۲) اعضای هیات علمی که یکی از زمینه‌های مورد مطالعه آن‌ها فقر باشد. یا
۳) اعضای هیات علمی که یکی از زمینه‌های مورد مطالعه آن‌ها اقتصاد اسلامی باشد. یا
۴) اعضای هیات علمی که یکی از زمینه‌های مورد مطالعه آن‌ها توزیع درآمد باشد. یا
۵) اعضای هیات علمی که یکی از زمینه‌های مورد مطالعه آن‌ها توسعه انسانی باشد.

٤- نتایج (شناسایی عوامل موثر بر تامین مالی خرد در ایران)

در این بخش با تفکیک و بررسی هر یک از سه بعد پرسشنامه به مولفه‌های آن و ارزیابی شاخص‌ها، نظر نخبگان در باب هر یک از مولفه‌ها و شاخص‌ها استخراج شده است.

٤-١- بعد مالی

٤-١-١- تجهیز

سوالات ۱ تا ۵ مربوط به نحوه تجهیز (انواع سپرده‌ها و کیفیت آن‌ها) است. در جدول(۴) میزان موافقت یا مخالفت برای هر سوال نشان داده شده است.

جدول(٤)- بعد مالی- بخش تجهیز

سوال/گزینه	کاملا مخالف	مخالف	بی‌نظر	موافق	کاملا موافق
سوال۱	۰	۳/۲	۱۲/۹	۵۸/۱	۲۵/۸
سوال۲	۰	٦/٥	۹/۷	٦٤/٥	۱۹/٤
سوال۳	۰	۰	۳/۲	۲۵/۸	۷۱/۰
سوال٤	۰	۰	۳/۲	۲۲/٦	۷٤/۲
سوال٥	۰	۳/۲	۱۲/۹	٦۱/۳	۲۲/٦

براساس جدول(۴)، ۸۳/۹ درصد از نخبگان معتقدند (یا موافقند یا کاملا موافقند) ارائه سپرده‌های قرض‌الحسنه و وکالت جهت پوشش اهداف سپرده گذاران مناسب است، ۸۳/۹ درصد معتقدند موسسات و بانک‌های تامین مالی خرد نیازی به ارائه سپرده‌های سودده ندارند، ۹۶/۸ درصد وقف (هبه مشروط و غیرمشروط) را جهت بهبود و تقویت منابع بانک‌ها و موسسات تامین مالی خرد مناسب می‌دانند. ۹۶/۸ درصد از نخبگان وکالت گروهی (جهت حمایت از گروه و قشر خاص) و وکالت خاص (جهت حمایت از صنعت- کسب‌وکار خاص) در بانک‌ها و موسسات تامین مالی خرد را مثبت ارزیابی کرده‌اند و ۸۳/۹ درصد آنان جهت افزایش فرهنگ پس‌انداز (میان فقرا) ارائه سپرده‌های مسدودی (تا سقف یا زمان خاص) در بانک‌ها و موسسات تامین مالی خرد را مناسب می‌دانند. بنابراین، می‌توان سپرده‌های موسسات و بانک‌های تامین مالی خرد را به صورت نمودار(۱) نشان داد.

نمودار(۱)- انواع سپرده‌های مدل

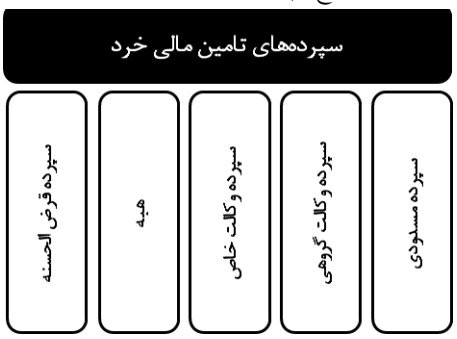

٤-١-٢- تخصیص

سوالات ۶ تا ۱۰ مربوط به تخصیص (موارد مصرف تسهیلات) است. در جدول(۵) میزان موافقت یا مخالفت برای هر سوال نشان داده شده است.

جدول(۵)- بعد مالی-تخصیص

سوال/گزینه	کاملا مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملا موافق
سوال٦	۰	۰	۰	۱۹/٤	۸۰/٦
سوال۷	۰	۰	٦/۵	٦۱/۳	۳۲/۳
سوال۸	۰	۰	۹/۷	٦۱/۳	۲۹/۰
سوال۹	۹/۷	٤۸/٤	۲۲/٦	۱٦/۱	۳/۲
سوال۱۰	۰	.	۳/۲	۱۲/۹	۸۳/۹

براساس جدول(۵)، تمامی‌متخصصان با تقسیم تسهیلات به دو دسته مصرفی و تولیدی اعلام موافقت کرده‌اند، ۹۳/۵ درصد از کل نخبگان معتقد به تقسیم تسهیلات مصرفی به دو دسته عادی و اضطراری هستند، ۹۰/۳ درصد با نظر یونس (۱۳۹۳) مبنی بر تمرکز بر تسهیلات اشتغال‌زایی تا تسهیلات مصرفی هم عقیده‌اند تنها ۱۹/۳ درصد از پرسش‌شوندگان با تمرکز تسهیلات اشتغال‌زایی بر فعالیت‌های صنعتی و خدماتی موافقند و بنابراین، می‌توان گفت نخبگان معتقداند که تسهیلات باید به هر سه بخش (کشاورزی، صنعت

و خدمات) تخصیص یابند و ۹۶/۸ درصد از مصاحبه‌شوندگان موافق ارائه تسهیلات بدون شرط سپرده‌گذاری می‌باشند. لذا نظرات نخبگان در این بخش را در قالب نمودار(۲) خلاصه می‌شود.

نمودار(۲)- انواع تسهیلات مدل

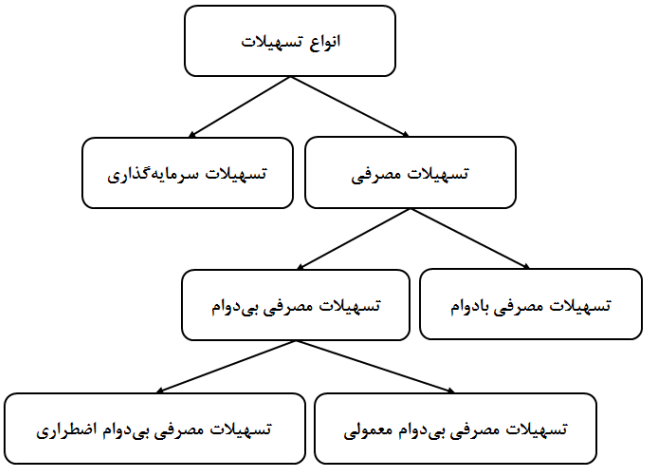

٤-١-٣- ماهیت بنگاه‌ها

سوالات ۱۱ تا ۱۵مربوط به ماهیت (انتفاعی یا غیرانتفاعی بودن و بانک یا موسسه مالی) بنگاه‌های فعال در بازار تامین مالی خرد است. در جدول(۶) میزان موافقت یا مخالفت برای هر سوال نشان داده شده است.

جدول(٦)- بعد مالی-ماهیت بنگاه‌ها

سوال/گزینه	کاملا مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملا موافق
سوال۱۱	۰	۰	۰	۹/۷	۹۰/۳
سوال۱۲	۰	۰	۰	۲۹/۰	۷۱/۰
سوال۱۳	۰	۰	۳/۲	۲۵/۸	۷۱/۰
سوال۱٤	۰	۳/۲	۳/۲	٦٤/٥	۲۹/۰
سوال۱٥	۰	۳/۲	۳/۲	۷۱/۰	۲۲/٦

براساس جدول(۶)، تمامی نخبگان به حضور موسسات تامین مالی خرد در کنار بانک‌ها باور دارند همچنین همه متخصصان با حضور موسسات و بانک‌های غیرانتفاعی در کنار انوع انتفاعی آن هم نظر هستند، ۹۶/۸ با این گزاره که بانک‌ها نسبت به موسسات مالی در ارائه خدمات غیرانتفاعی ضعیف‌ترند، اعلام موافقت کرده‌اند، ۹۳/۶ درصد معتقدند حضور هلدینگ‌ها (و بانک‌های تجاری بین‌المللی) با شاخه تامین مالی خرد موجب بهبود بازار (از جهات پایداری، دسترسی و گروه هدف) می‌شود و همچنین آنان به همین میزان (۹۳/۶ درصد) موافق حضور بانک‌های دولتی هستند. بنابراین، می‌توان ماهیت بنگاه‌ها را به‌صورت نمودار(۳) نمایش داد.

نمودار(۳)- ماهیت بنگاه‌های مدل

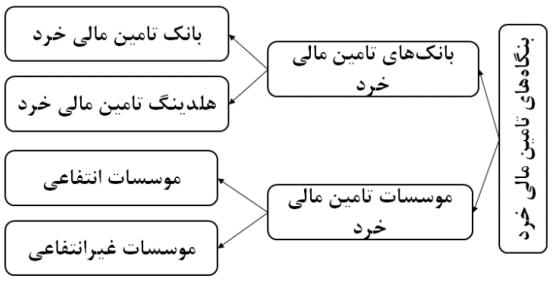

٤-۲- ملاحظات فقهی-حقوقی

٤-۲-۱- ارکان قراردادها

این قسمت به دو قسمت وثیقه و روش وام‌دهی تقسیم شده است که در ارتباط تنگاتنگی با هم هستند. نحوه وام‌دهی نوع وثیقه را تعیین می‌کند و نوع وثائق می‌تواند روش‌های وام‌دهی را مشخص کند. سوالات ۱۶ تا ۲۰ مربوط به تعیین نوع وثائق و روش‌های وام‌دهی بنگاه‌های فعال در بازار تامین مالی خرد است. در جدول(۷) میزان موافقت یا مخالفت برای هر سوال نشان داده شده است.

جدول (۷) بیانگر موافقت ۸۳/۹ درصدی با استفاده از مسئولیت مشترک به‌عنوان وثیقه است، این موافقت در کنار آمار ۹۶/۸ درصدی اعتقاد به کاهش دسترسی در صورت استفاده از وثائق منقول و یا ضامن معتبر برای تضمین وام‌های بانک‌ها و موسسات تامین مالی

خرد نشانگر اهمیت جایگاه وام‌دهی گروهی است که در کنار ۶۱/۳ درصد توافق با وام‌دهی گروهی محض و ۷۱ درصد عدم موافقت با وام‌دهی فردی محض و نیز موافقت ۱۰۰ درصدی با ترکیب وام‌دهی گروهی و فردی، موید نتایج کوندونگو و کندی(۲۰۱۳) است.

جدول (۷)- بعد فقهی و حقوقی- ارکان قراردادها

سوال/گزینه	کاملا مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملا موافق
سوال۱۶	۰	۰	۱۶/۱	۷۱/۰	۱۲/۹
سوال۱۷	۰	۰	۳/۲	۲۲/۶	۷۴/۲
سوال۱۸	۰	۳/۲	۳۵/۵	۵۴/۸	۶/۵
سوال۱۹	۰	۰	۷۱/۰	۲۲/۶	۶/۵
سوال۲۰	۰	۰	۰	۹/۷	۹۰/۳

۴-۲-۲- قوانین و مقررات

این بخش همچون بخش پیشین دارای دو زیر مجموعه است که در یک سرفصل قرار گرفته‌اند؛ سوالات ۲۱ و ۲۲ مربوط به تجهیز و ۲۳ و ۲۴ مربوط به تخصیص تحت قانون بانکداری بدون ربا است.

جدول (۸)- بعد فقهی و حقوقی- قوانین و مقررات

سوال/گزینه	کاملا مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملا موافق
سوال۲۱	۰	۳/۲	۹/۷	۶۷/۷	۱۹/۴
سوال۲۲	۰	۰	۳/۲	۶/۵	۹۰/۳
سوال۲۳	۰	۰	۰	۱۶/۱	۸۳/۹
سوال۲۴	۰	۳/۲	۶/۵	۶۱/۳	۲۹/۰

به‌طور کلی قراردادها و عقود شرعی به دو دسته انتفاعی و غیرانتفاعی تقسیم می‌شوند. براساس جدول(۸)، خبرگان با تمامی گزاره موافق هستند. بنابراین، می‌توان عقود مورداستفاده در بخش تجهیز را به‌صورت نمودار(۴) نشان داد.

نمودار(٤)- استفاده عقود بانکداری بدون ربا در مدل

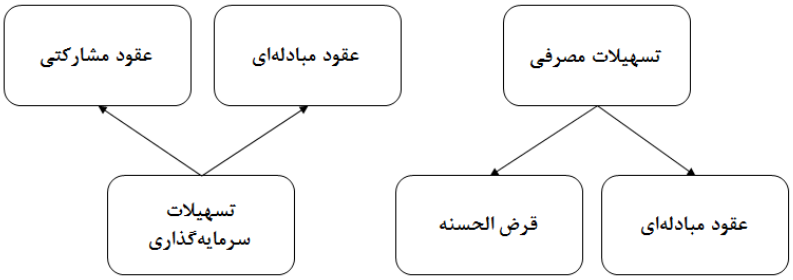

٤-٣- ملاحظات اجرایی

٤-٣-١- ریسک و فناوری اطلاعات

سوالات ۲۵ تا ۲۷ مربوط به نحوه مدیریت ریسک و فناوری اطلاعات است. در جدول(۹) میزان موافقت یا مخالفت برای هر سوال نشان داده شده است.

جدول (۹)- ملاحظات اجرایی- ریسک و فناوری اطلاعات

سوال/گزینه	کاملا مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملا موافق
سوال۲۵	۰	۰	۰	۱۹/٤	۸۰/٦
سوال۲٦	۰	۰	۳/۲	۱۹/٤	۷۷/٤
سوال۲۷	۰	۰	۳/۲	٦/٥	۹۰/۳

جدول (۹) بیانگر اهمیت فناوری اطلاعات در عرصه مالی و به‌ویژه در بخش تامین مالی خرد است، زیرا تمامی شاخص‌ها بالای ۹۵ درصد موافقت وجود دارد. بنابراین، به‌نظر متخصصان ایرانی وجود بخش فناوری اطلاعات و مدیریت ریسک در نهادهای تامین مالی خرد ضرورت دارد.

٤-٣-٢- بسترسازی

یکی از ویژگی‌هایی که تامین مالی خرد را از وام‌های کوچک سایر موسسات و بانک‌ها تجاری متفاوت می‌کند، وجود سازمانی جهت نظارت بر فرایند تشکیل گروه‌ها و نیز

تقویت ارتباط بانک با مشتریان و نیز مشتریان با هم است. علاوه بر این، تشکیل نهادهایی جهت رفع موانع کسب‌وکار در اکثر نهادهای تامین مالی خرد واقعی دیده می‌شود. در این بخش (سوالات۲۸ تا ۳۰) نظر متخصصان ایرانی را جویا شده‌ایم.

جدول (۱۰)- ملاحظات اجرایی- بسترسازی

سوال/گزینه	کاملا مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملا موافق
سوال۲۸	۰	۰	۰	۵۸/۱	٤۱/۹
سوال۲۹	۰	۰	۰	۱۹/٤	۸۰/٦
سوال۳۰	۰	۰	۰	۱٦/۱	۸۳/۹

لذا با توجه به جدول(۱۰) می‌توان نتیجه گرفت که متخصصان ایرانی از اهمیت نهادهای بسترساز در تامین مالی خرد مطلع هستند و نیاز آن‌ها در کشور حس می‌شود.

٤-۳-۳- گزارش‌دهی

از جدول (۱۱) بر می‌آید که متخصصان ایرانی به گزارش تفکیکی تسهیلات بر اساس موارد مصرف و نیز عقود مورد استفاده اصرار دارند.

جدول (۱۱)- ملاحظات اجرایی- گزارش دهی

سوال/گزینه	کاملا مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملا موافق
سوال۳۱	۰	۰	۰	۳/۲	۹٦/۸
سوال۳۲	۰	۰	۰	۱۹/٤	۸۰/٦

۵- جمع‌بندی، پیشنهادهای سیاستی و مطالعه بیشتر

۵-۱- جمع‌بندی

در تحقیق حاضر به دنبال شناسایی عوامل موثر بر تامین مالی خرد مقاومتی در ایران با مطالعات تحقیقات داخلی و خارجی، ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های تامین مالی خرد استخراج شد و به کمک پرسشنامه دلفی به معرض نظر نخبگان قرار داده شد.

بعد مالی به سه بخش تجهیز، تخصیص و ماهیت نهادهای تامین مالی خرد تقسیم شده است. در بخش تجهیز، سپرده‌ها شامل سپرده‌های قرض‌الحسنه، هبه، وکالت خاص-

گروهی و سپرده مسدودی (پس‌انداز) هستند؛ که نتایج موید کارهای محقق‌نیا (۱۳۹۲)، حسن‌زاده (۱۳۸۹)، مصباحی مقدم و همکاران (۱۳۹۰) و مظهر (۲۰۱۰) است.

در بخش تخصیص، تسهیلات به دو دسته عمده تسهیلات مصرفی و تسهیلات تولیدی تقسیم شده‌اند؛ تسهیلات مصرفی خود به تسهیلات مصرفی عادی و تسهیلات مصرفی اضطراری تقسیم شده‌اند. نتایج با تحقیقات رادرفورد (۲۰۰۰)، هلمز (۲۰۰۶)، یونس (۲۰۰۵) و حسن‌زاده (۱۳۸۹) همخوانی دارد. همچنین نتایج تحقیق حاکی از تایید نظر لانبورگ و راسموسن (۲۰۱۴) در باب اشکال تسهیلات‌دهی به شرط سپرده‌گذاری است. نتایج این تحقیق با نتایج پالیگرنا (۲۰۱۱) همخوانی ندارد.

در بخش ماهیت بنگاه‌ها نتایج حاکی از تقسیم بنگاه‌های فعال در بازار تامین مالی خرد به دو دسته عمده بانک ها و موسسات مالی است؛ که بانک‌ها به دو دسته بانک‌های تجاری و هلدینگ‌های مالی با شاخه تامین مالی خرد و موسسات به دو دسته انتفاعی و غیرانتفاعی تقسیم می‌شوند. این نتایج با کارهای جانگ (۲۰۱۳)، هودان و پقیلوکس (۲۰۱۴) و باری و تاکننگ (۲۰۱۴)، سرانو- سینسا و گوتیرز- نیتو (۲۰۱۴) و گالیما و همکاران (۲۰۱۱) همراستا است. همچنین نظر پلیگرینا (۲۰۱۱) و چودهوری و موخوپادهایا (۲۰۱۲) مبنی بر حضور بانک های دولتی در بازار تامین مالی خرد موردتایید واقع شده است.

بعد فقهی- حقوقی به دو بخش ارکان قراردادها و قوانین- مقررات تقسیم شده است. در بخش ارکان قراردادها نتایج حاکی از تایید نظر یونس (۲۰۰۵) در باب استفاده از مسئولیت مشترک به عنوان وثیقه است و نیز استفاده از روش وام‌دهی ترکیبی گروهی انفرادی نسبت به روش انفرادی به‌طور قوی مورد تاکید قرار گرفته است. این نتایج با کاسان و همکاران (۲۰۱۲)، کوندونگو و کندی (۲۰۱۳) همخوانی دارد و کار کرنه و مسکلت (۲۰۱۳) مورد تایید نیست. در بخش قوانین و مقررات عقود مورداستفاده در بخش تجهیز شامل قرض‌الحسنه و وکالت است که این عقود در بخش تخصیص شامل قرض‌الحسنه، مبادله‌ای و مشارکتی است.

در بعد اجرایی نتایج تحقیقات سرانوسینسا و گوتیرزنیتو (۲۰۱۴) و جانگ (۲۰۱۳) مبنی بر استفاده از فناوری اطلاعات به جهت مدیریت ریسک، قویا تایید شده است. نتایج کارهای یونس (۱۹۹۹)، میسمی و همکاران (۱۳۹۱) و حسینی و همکاران (۱۳۸۹) نیز در

باب بسترسازی و مدیریت گروه ها مورد تاکید است. در بخش گزارش‌دهی کارهای یونس (۱۹۹۹) و باباجانی و شکرخواه (۱۳۹۱) مورد تاکید قرار گرفته‌اند.

۵-۲- پیشنهادهای سیاستی

براساس نتایج این تحقیق پیشنهاد می‌شود:

۱- موسسات و بانک‌های تامین مالی خرد از سایر موسسات مالی، پولی و اعتباری تفکیک و آیین‌نامه مخصوص به خود را داشته باشند.

۲- علاوه بر سپرده قرض‌الحسنه، امکان سپرده‌های هبه، وکالت خاص-گروهی و سپرده مسدودی (پس‌انداز) نیز فراهم شود.

۳- تسهیلات به ۲ بخش عمده مصرفی و تولیدی تقسیم شوند؛ تسهیلات مصرفی نیز خود به ۲ دسته عادی و اضطراری تفکیک شوند.

۴- استفاده ترکیبی از وام‌دهی فردی و گروهی با تقدم زمانی وام‌دهی گروهی بر نوع فردی مورد توجه باشد.

۵- تبیین و تهیه سامانه الکترونیکی ملی تسهیلات.

۶- طراحی و ایجاد نهادها و بخش‌های فعال در موسسات و بانک‌های تامین مالی خرد به جهت بسترسازی و تسهیل امور مشتریان.

۷- گزارش تفکیکی عملکرد بر اساس نوع تسهیلات و نوع عقود مورد استفاده.

۵-۳- پیشنهادها برای مطالعه بیشتر

با توجه به نتایج تحقیق، موارد زیر برای مطالعات بیشتر پیشنهاد می‌شود:

۱- طراحی سیستم نرم‌افزاری تامین مالی خرد تا موجب شفافیت و تقارن اطلاعاتی بیشتر شود و از مخاطرات اخلاقی جلوگیری کند.

۲- بررسی نقش دولت در تامین مالی خرد و طراحی سازوکاری که از دخالت فعالانه دولت در تامین مالی خرد پیش‌گیری کند تا مانع از مشکلات و گره‌هایی که بر اثر دخالت دولت ممکن است به وجود آید، بشود.

۳- طراحی ساختمان و سازمان بخش کارآفرینی در بانک‌ها و هلدینگ‌های تامین مالی خرد به گونه‌ای که مازاد رفاه جامعه را حداکثر کند.

۴- بررسی تاثیر اقتصادی توسعه و افزایش تامین مالی خرد بر ساختار بازار و شفافیت و تقارن اطلاعاتی آن.

۵- بررسی تاثیر توسعه و افزایش تامین مالی خرد بر تورم، رشد اقتصادی و نقدینگی در ایران.

۶- محاسبه مقدار بهینه تامین مالی خرد در اقتصاد ایران از نظرگاه تاثیر آن بر تقاضای مصرفی در ایران.

۷- محاسبه مقدار بهینه تامین مالی خرد در اقتصاد ایران از نظرگاه تاثیر آن بر تقاضای سرمایه‌گذاری در ایران.

۸- بررسی تاثیر تامین مالی خرد بر ساختار اجتماعی در ایران و جایگاه دولت در آن.

منابع

الف- فارسی

آرمنداریز، درآگیون بیتریز و مرداک جاناتان (۱۳۹۱)، *اقتصاد تامین مالی خرد*، تهران. انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی.

ابراهیمی، سجاد و مسعود باغستانی میبدی (۱۳۹۰)، «مقایسه بانک تجاری و نهاد قرض‌الحسنه در حوزه تامین مالی خرد»، *مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۱۱، ۷۳-۸۸.

ابونوری، اسماعیل و افسانه قاسمی‌تازه آبادی (۱۳۸۶)، «ارزیابی اثر ارزش افزوده قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد با استفاده از داده‌های پانل بین استانی»، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، سال هفتم، شماره ۲۸، ۱۳۹-۱۴۶.

ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۷۹)، «آشنایی با روش دلفی و کاربرد آن در تصمیم‌گیری»، *مجله مدیریت شهری*، شماره ۱، ص ۳۵-۳۹.

باباجانی، جعفر و جواد شکرخواه (۱۳۹۱)، «مدل مناسب حسابداری برای بانکداری اسلامی در ایران با تأکید بر عقود مشارکتی»، *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، شمارهٔ ۱۷، سال پنجم. ۱۶۳-۱۹۲.

بیدار، محمد (۱۳۹۱)، «بررسی کارمزد قرض‌الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن در بانکداری اسلامی»، *معرفت اقتصادی*، سال چهارم، شماره اول، پیاپی هفتم، ۹۷ ـ ۱۱۴.

جمشیدی، ناصر ، غلامرضا جندقی و رضا تهرانی (۱۳۹۳)، «مدل‌سازی علل معوق شدن تسهیلات قرض‌الحسنه در بانک قرض‌الحسنه مهر ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی(رشد و توسعه پایدار)*، سال چهارم، شماره ۳، ۱۵۹-۱۷۸.

چرمچیان لنگرودی، مهدی و امیرحسین علی بیگی (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل موثر بر توانمندسازی روانشناختی زنان روستایی»، *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*، سال چهارم، شماره ۱، ۱۶۵-۱۹۲.

حسن زاده، علی (۱۳۸۹)، «الگوسازی مؤسسات و تامین مالی خرد منطبق با قواعد شریعت اسلام»، *فصلنامه پول و اقتصاد*، شماره ۵، ۱۳۱-۱۴۹.

حسن‌زاده، علی، علاء الدین ازوجی و صالح قویدل (۱۳۸۵)، «بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی»، اقتصاد اسلامی، سال ششم، ۴۵-۶۹.

حسینی، سید صفدر ، محمد خالدی و محمد قربانی (۱۳۸۹)، «ارزیابی اثر هزینه‌های مبادله بر دسترسی کشاورزان به بازار رسمی اعتبارات در ایران»، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال هجدهم، شماره ۳۹، ۷۰-۵۴.

حسینی، سید صفدر ، محمد خالدی، محمد قربانی و ابراهیم حسن پور (۱۳۸۸)، «بررسی هزینه‌های مبادله تسهیلات اعطایی بانک کشاورزی در مناطق روستایی ایران»، *نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)*، جلد ۲۳، شماره ۲، ۳۶-۴۵.

رحمانی فضلی، عبدالرضا و یونس کاویانی (۱۳۸۸)، «اثر بخشی اعتبارت خرد در بهسازی مساکن روستایی. مورد مطالعاتی: سکونت گاه‌های روستایی شهرستان سقز»، *جغرافیا(فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران) دوره جدید*، سال هفتم، شماره ۲، ۲۹-۴۵.

شهیدی نصب، مصطفی (۱۳۹۳)، «آسیب شناسی تامین مالی خرد در بانک‌های ایران: درس‌هایی برای طراحی نظام تامین مالی خرد اسلامی»، *دو فصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران*، سال یازدهم، شماره۲۱، ۹۷-۱۲۴.

عبداللهی، محسن و حسین میسمی (۱۳۹۰)، «تأمین مالی خرد اسلامی و نقش آن در تقویت عدالت و رضایت اجتماعی در نظام بانکی کشور»، *تازه‌های اقتصاد*، سال نهم، ۱۳۲، ۱۲۲-۱۳۲.

علاء الدینی، پویا و سارا جلالی موسوی (۱۳۸۹)، «ارزیابی اثربخشی برنامهٔ پشتیبانی خدمات مالی خرد و صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در ایران»، توسعه روستایی، دوره دوم، شماره ۲، ۶۱-۷۶.

علیرضانژاد، سهیلا (۱۳۹۲)، «گونه شناسی صندوق‌های قرض‌الحسنه و توانمندی زنان: مدل سنتی اعتبارات خرد در ایران»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال پنجم، شماره ۲، ۹۱-۱۰۳.

عیسی زاده، سعید (۱۳۸۹)، «تأثیر عوامل نهادی بر کارایی و هزینه نظام بانکی ایران»، *فصلنامه پول و اقتصاد*، شماره ۵، ۳۹-۷۵.

فعالیت، وحید و ندا خارقانی (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر وام‌های خرد بر اشتغال(مطالعه موردی ایران)»، *ماهنامه کار و جامعه*، شماره ۱۴۱، ۲۲-۴۴.

قضاوی، حسین ، حسین کیانی زاده، نعمت الله ملاکریمی و یاسر موهبتی (۱۳۹۰)، «ساختار صندوق‌های قرض‌الحسنه در ایران و الگوی مبتنی بر اتحادیه‌های اعتباری»، *مجله اقتصادی-ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، شماره‌های ۷ و ۸ ۷-۳۴.

مجیدی، محمدحسین (۱۳۹۰)، «امکان پذیری خرید اعتباری سهام در بورس اوراق بهادار تهران و راهکارهای آن»، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.

محقق نیا، محمد جواد (۱۳۹۲)، «ساختار بانکداری اسلامی و ارائه الگویی برای بانکداری اسلامی در ایران»، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

مرتضوی فر، زینب (۱۳۸۸)، «اثر تامین مالی خرد بر رفاه اقتصادی خانوار،مطالعه موردی: بررسی رویکرد صندوق اشتغال کمیته امداد امام خمینی(ره) در حوزه مالی خرد»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

مصباحی مقدم، غلامرضا ، حسین میسمی، محسن عبداللهی و مهدی قائمی‌اصل (۱۳۹۰)، «وقف به مثابه منبع تامین مالی خرد اسلامی ارائه الگوی تشکیل موسسات تامین مالی خرد وقفی در کشور»، *فصلنامه علمی-پژوهشی، پژوهشهای رشد و توسعه اقتصادی*، سال دوم، شماره ۵، ۹۱-۱۳۰.

میسمی، حسین و مصطفی شهیدی نسب (۱۳۸۹)، «بررسی تجربه تأمین مالی خرد اسلامی در کشور سریلانکا»، *تازه‌های اقتصاد*، سال هشتم، شماره ۱۲۸، ۹۶-۱۰۱.

میسمی، حسین، علی حسن زاده و مصطفی شهیدی نسب (۱۳۹۱)، «رویکردی مرحله‌ای برای استفاده از عقود مشارکتی در تامین مالی خرد اسلامی»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۱۲، ۳۳-۶۲.

ورمزیاری، حجت ، خلیل کلانتری و حسین شعبانعلی فمی (۱۳۸۹)، «تحلیل عوامل مؤثر بر نحوه استفاده از تسهیلات بانکی کشاورزی(مورد: شهرستان خوی)»، *پژوهش‌های روستایی*، دوره ۱، شماره ۳، ۸۳-۱۰۸.

یزدانی، مریم (۱۳۹۰)، «قرض‌الحسنه ونقش آن در رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی»، *مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، شماره‌های ۵ و ۶، ۲۹-۴۰.

یونس، محمد (۱۳۹۳)، *بانکدار فقرا*، ترجمه: وطن دوست، لیلا. تهران. انتشارات گرایش تازه».

ب- انگلیسی

Adler, M., and E. Ziglio (1996), *Gazing into the Oracle: The Delphi Method and Its Application to Social Policy and Public Health*, London: Kingsley Publishers.

Barry T. A. and R. Tacneng (2014), "The Impact of Governance and Institutional Quality on MFI Outreach and Financial Performance in Sub-Saharan Africa", *World Development*, 58: pp 1–20.

Becchetti, L. and S. Castriota (2011), "Does Microfinance Work as a Recovery Tool After Disasters? Evidence from the 2004 Tsunami", *World Development*, 39 (6): 898–912.

Cason, T. N., L. Gangadharan and P. Maitra (2012), "Moral Hazard and Peer Monitoring in a Laboratory Microfinance Experiment", *Journal of Economic Behavior and Organization*, 82: 192–209.

Chowdhury, T. A. and P. Mukhopadhaya (2012), "Assessment of Multidimensional Poverty and Effectiveness of Microfinance-Driven Government and NGO Projects in the Rural Bangladesh", *The Journal of Socio-Economics*, 41: 500– 512.

Cornée S. and D. Masclet (2013), "Long-Term Relationships, Group lending and Peer Sanctioning in Microfinance: New Experimental Evidence", Economics working paper Center for Research in Economics and Management (CREM),University of Rennes 1, University of Caen and CNRS. (Center for Research in Economics and Management (CREM), University of Rennes 1, University of Caen and CNRS).

Cotler, P. and D. Almazan (2013), "The Lending Interest Rates in the Microfinance Sector: Searching for its Determinants", *The Business and Economics Research Journal*, 6(1): 69-81.

Crépon, B., F. Devoto, E. Duflo and W. Parienté (2011), "Impact of Microcredit in Rural Areas of Morocco: Evidence from a Randomized Evaluation", Working Paper prepared for the International Growth Centre at the London School of Economics.

Deloach, S. B. and E. Lamanna (2011), "Measuring the Impact of Microfinance on Child Health Outcomesin Indonesia", *World Development*, 39(10): 1808–1819.

Dunham, R. (1996), "The Delphi technique. [Cited 2002 Mar 24]", Available from: http://www.medsch.wisc.edu/adminmed/2002/ orgbehav/ delphi.pdf

Electrin, M. and et. al. (2013), "An Evaluation of Microfinance Services on Poverty Alleviation in Kisii County, Kenya", *Research Journal of Finance and Accounting*, 4(10): 28-39.

El-Gamal, M., M. El-Komi, D. Karlan and A. Osman (2014), "Bank-insured RoSCA for microfinance: Experimental evidence in poor Egyptian villages", *Journal of Economic Behavior and Organization*, 103, 56–73.

El-komi, M. and R. Croson (2013), "Experiments in Islamic microfinance", *Journal of Economic Behavior and Organization*, 95: 252– 269.

Galema, R., R. Lensink and L. Spierdijk (2011), "International diversification and Microfinance", *Journal of International Money and Finance*, 30: 507–515.

Giné, X. and D. Karlan (2014), "Group Versus Individual Liability: Short and Long Term Evidence from Philippine Microcredit Lending Groups", *Journal of Development Economics*, 107: 65–83.

Hartarska, V., X. Shen and R. Mersland (2013), "Scale Economies and Input Price Elasticities in Microfinance Institutions", *Journal of Banking and Finance*, 37: 118–131.

Hasanzadeh, A. and H. Meisami (2012), "The Economic Necessity of Establishing Islamic Microfinance Institutes in Iran: A Theoretical Analysis", *Basic Research Journal of Business Management and Accounts*, 1(1): 6-13.

Hermes, N., R. Lensink and A. Meesters (2011), "Outreach and Efficiency of Microfinance Institutions", *World Development*, 39 (6): 938–948.

Hudon, M. and A. Périlleux (2014), "Surplus Distribution and Characteristics of Social Enterprises: Evidence from Microfinance", *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 54: 147–157.

Jabakhail, M. (2012), "Islamic Microfinance: A Remedy for Poverty in Afghanestan? (M.S. Thesis)", University of Erfurt.

Jang, R. (2013), "Microfinance Business Models: Comparing and Contrasting Grameen Bank and Compartamos Banco (M.S. Thesis)", Massachusetts Institute of Technology,.

Jia, X., X. Cheng and H. Jikun. (2013), "Microfinance, Self-employment, and Entrepreneurs in Less Developed Areas of Rural China", *China Economic Review*, 27: 94–103.

Karlan, d. s. (2002), "Social Capital and Microfinance (PH.D Thesis)", Massachusetts institute of technology.

Kennedy H. P. (2004), "Enhancing Delphi Research: Methods and Results", *J Adv Nurs*; 45(5): 504-11.

Khandker, S. R. (2012), "Seasonality of Income and Poverty in Bangladesh", *Journal of Development Economics*, 97: 244–256.

Kireti G. W. and M. Sakwa (2014), "Socio-Economic Effects of Microfinance Services on Women: The Case of Rosewo Microfinance, Nakuru County, Kenya", *International Journal of Academic Research in Economics and Management Sciences*, 3(3): 43-60.

Kodongo, O. and L. Kendi (2013), "Individual Lending Versus Group Lending: An Evaluation with Kenya's Microfinance Data", *Review of Development Finance*, 3: 99–108.

Lonborg, J. H. and O. D. Rasmussen (2014), "Can Microfinance Reach the Poorest: Evidence from a Community-Managed Microfinance Intervention", *World Development*, 64: 460–472.

Ly, P. and G. Mason (2012), "Competition Between Microfinance NGOs: Evidence from Kiva", *World Development*, 40(3): 643–655.

Mallick, D. (2012), "Microfinance and Moneylender Interest Rate: Evidencefrom Bangladesh", *World Development*, 40(6): 1181–1189.

Marju, V. (2007), "Growth of Indian Microfinance: a Case-Study-Based Review of Trends and Challenges (M.B.A Thesis)", Massachusetts institute of technology.

Menknoff, L. and O. Rungruxsirivorn (2011), "Do Village Funds Improve Access to Finance? Evidence from Thailand", *World Development*, 39(1):110–122.

Mersland, R., B. Despallier and M. Supphellen (2013), "The Effects of Religion on Development Efforts: Evidence from the Microfinance Industry and a Research Agenda", *World Development*, 41:145–156.

Nudamatiya, A. B, D. Y. Giroh and J. F. Shehu (2010), "Analysis of Micro-finance Impact on Poverty Reduction in Adamawa state, Nigeria", *JOURNAL OF Agriculture and Social Sciences*, 6(4): 91-96.

Ocasio, V. M. (2012), "Essay on the Role of Microfinance Institutions in Financial Deepening Economic Growth and Development (PH.D Thesis)", Colorado State University.

Okpara, G. C. (2010), "Mirofinance Banks and Poverty Alleviation in Nigeria", *Journal of Sustainable Development in Africa*, 12(6): 177-192.

Pellegrina, L. D. (2011), "Microfinance and Investment: A Comparison with Bank and Informal Lending", *World Development*, 39(6): 882–897.

Powell, C. (2003), "The Delphi Technique: Myths and Realities", *J Adv Nurs*, Feb; 41(4): 376-82.

Rahman, M. M. (2010), "Islamic Micro-Finance Programme and Its Impact on Rural Poverty Alleviation", *International Journal of Banking and Finance*, 7(1):119-138.

Rajbanshi R., M. Huang and B. Wydick (2015), "Measuring Microfinance: Assessing the Conflict between Practitionersand Researchers with Evidence from Nepal", *World Development*, l68: 30–47.

Ringkvist, J. (2013), "Women's Empowerment through Microfinance- A Case Stuy on Burma. Bachelor Thesis", Department of Economics at the University of Lund, Sweden.

Riwajanti, N. I. (2014), "Exploring the Role of Islamic Microfinance Institution in Poverty Alleviation Through Microenterprises Development, A Case Study of Islamic Financial Cooperative (BMT) in Indonesia", Kyoto Bulletin of Islamic Area Studies, 7: 49-66.

Roberts, P. W. (2013), "The Profit Orientation of Microfinance Institutions and Effective Interest Rates", *World Development*, 41: 120–131.

Rutherford, S. (2000), "The Limits of Micro Credit as a Rural Development Intervention", The Institute for Development Policy and Management, Manchester university.

Sagamba, M., O. Shchetinin and N. Yusupov (2013), "Do Microloan Officers Want to Lend to the Less Advantaged? Evidence from a Choice Experiment", *World Development*, 42:182–198.

Serrano-Cinca, C. and B. Gutierrez-Nieto (2014), "Microfinance, the Long Tail and Mission Drift", *International Business Review*, 23: 181–194.

Servin, R., R. Lensink and M. Van Den Berg (2012), "Ownership and Technical Efficiency of Microfinance Institutions: Empirical Evidence from Latin America", *Journal of Banking and Finance*, 36: 2136–2144.

Togba, E. L. (2012), "Microfinance and Households Access to Credit: Evidence from Côte D'Ivoire", *Structural Changeand Economic Dynamics*, 23: 473– 486.

Vernerey, A. and J. Hörnell (2013), "The Impact of Population Mobility on Repayment Rates in Microfinance Institutions", Working paper at Duke University Durham, North Carolina.

Vonderlack, R. M. and M. Sehreiner (2002), "Women, Microfinance and Savings: Lessons and Proposals",*Development in Practice*, 12: (5): 602-612.

Weber, O. and A. Adnan (2014), "Empowerment Through Microfinance: The Relation Between Loan Cycle and Level of Empowerment", *World Development*, 62:75–87.